



قرآن اول به نماز تأکید دارد بعد رسیدگی به دیگران

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود بیاناتی فرموده که متن آن برای علاقمندان در پی می آید.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق گفت: قرآن اول نماز را می گوید و بعد از نماز رسیدگی به دیگران را می گوید انسان می تواند خدا را معلم اخلاق خود کند یکی با اقامه نماز و دوم با «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود بیاناتی فرموده که متن آن برای علاقمندان در پی می آید. بحث این چند هفته ما درباره بحث مهمی بود، که از مهم ترین بحث ها در اخلاق است. بحث این بود که هدف از خلقت انسان چیست؟

گفتم از نظر قرآن استفاده می شود که هدف از خلقت همه موجودات، انسان است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» [۱]؛ و هدف از خلقت انسان هم، برای خداست: «وَأَصْطَفَيْنَاكَ لِنُقَسِّيَ» [۲] و در این باره صحبت ها کردم. هدف از خلقت انسان، رسیدن انسان به مقام وصول و شهود، و رسیدن این انسان به مقام عبودیت و رسیدن انسان به یک بهشت دائمی است و در این چند هفته آخر بحث رسید به اینجا که هدف از خلقت انسان اینست که این انسان خلیفه الله شود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» [۳]. به عبارت دیگر اینکه انسان آدم شود. به عبارت دیگر بتواند درخت رذالت را از دل بکند و درخت فضیلت را به جای آن غرس کند و میوه دار کند و از میوه آن هم خود و هم دیگران دائماً استفاده کنند، که به این مسئله تهذیب نفس می گویند. در این چند جلسه فهمیدیم که تهذیب نفس مشکل است و آدم شدن در سر حد محال است و کمک خدا را می خواهد. اینکه انسان بتواند خدا را معلم خود قرار دهد. اگر خدا معلم اخلاق ما شد، می توانیم به جایی برسیم، و الا نمی شود. انسان باید تلاش و کوشش خودش باشد، اما تا کمک خدا نباشد، به جایی نمی رسد:

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [۴]

بحث هفته گذشته درباره این بود که چه کنیم خدا معلم اخلاق ما شود؟ چه کنیم تلاش های ما ثمربخش باشد؟ علمای علم اخلاق در این باره صحبت ها کرده اند. گفتم در سوره معارج، سوره «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»، دستورالعملی داده شده است و این دستورالعمل آسان است. درحالی که آسان است، قطعاً انسان را به جایی می رساند. انسان می تواند خدا را معلم اخلاق خود کند و به جایی برسد. لااقل اگر نتواند رذایل را ریشه کن کند، بتواند کنترل کند.

این دستورالعمل مرکب از پنج چیز است. اول نماز است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَثُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ» [۵]؛ انسان معمولاً بی ادب و خودسر است، یعنی معمولاً انسان ها صفات رذیله دارند که آن صفات رذیله آنها را بدتر از هر درنده و میکروبی می کند. قرآن می فرماید: به وسیله نماز می تواند کنترل کند.

هفته گذشته فی الجمله درباره نماز صحبت کردم و این نماز را هم در اول و هم در آخر سفارش کرده است. در اول می فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» [۶]؛ بعد هم در آخر می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [۷]؛ لذا از همه و مخصوصاً جوان ها تقاضا دارم به نماز خیلی اهمیت دهید. البته هفته گذشته فهمیدیم که قرآن ندارد که نماز بخوان، بلکه قرآن اقامه نماز دارد. و بیش از دویست جا فرموده اقامه نماز. یعنی در اول وقت همه جا تعطیل باشد به جز مسجد و همه کارها ملغی شود به جز نماز. نماز با ادب و با تعقیب و اگر بتواند با حضور قلب. البته حضور قلب کار مشکلی است، اما به هر اندازه که بشود. نماز با جماعت و در مسجد و در اول وقت باشد. آنگاه حتماً به انسان کمک می کند: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» [۸]؛ از دو چیز کمک بخواهید. یکی با تلاش و کوشش خودتان و صبر و استقامت در خودسازی و یکی هم به واسطه نماز. بعد هم قرآن وعده داده است که: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» [۹]؛ به راستی اگر نماز، نماز باشد، انسان می تواند خودسازی کند. می تواند برسد به آنجا که گناه در زندگی او نباشد و اگر گناه آمد، توبه و خجالت زدگی داشته باشد و بالاخره مقدمات آدمیت را فراهم کند. لذا باز از جوان ها تقاضا دارم که به نماز خیلی اهمیت دهید.

دوم چیزی که بحث امشب ماست، اینست که می فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» [۱۰]، «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» [۱۱]؛ اگر می خواهی خودسازی کنی، باید دیگرگرا و به فکر دیگران باشی، به هر اندازه که می توانی. قرآن می فرماید: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» [۱۲]؛ باید به هر اندازه که می توانی به فکر دیگران باشی. آن کسانی که می توانند دختران را شوهر دهند و پسران را زن دهند و خانه برای بی خانمان ها درست کنند و بالاخره مردم را از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه قرار دهند. و کسانی که نمی توانند، به هر اندازه که می توانند و اگر هیچ نمی توانند، دلسوز برای اجتماع و دیگران باشند، با دعا و راز و نیاز با خدا و کمک گرفتن از دیگران برای مستمندان.

چیزی که باید به آن توجه داشته باشیم و مهم است، اینکه این غیر از خمس و زکات است. این را آیه اول سوره بقره معنا می کند و می فرماید:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [۱۳]

باز در اینجا قرآن اول نماز را می گوید و بعد از نماز رسیدگی به دیگران را می گوید. انسان می تواند خدا را معلم اخلاق خود کند.

یکی با اقامه نماز و دوم با «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»، هرچه را خدا به او داده است، دیگران در آن شریک شوند. اگر مالی دارد، در مالش و اگر علم دارد، در علمش و اگر وجاهت شخصیت دارد، در وجاهت و اگر قلم دارد، در قلمش و بالاخره هر نعمتی که دارد، خودخور و خودخواه نباشد و به هر اندازه که می‌شود به دیگران بدهد: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» و این حق معلوم یعنی قانون مواسات.

قضیه خمس و زکات ربطی به این بحث ما ندارد. در قرآن هم کم آیه راجع به زکات اصطلاحی فقها داریم و بیش از یک آیه نیست که می‌فرماید: «حَدَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» [۱۴] و آن هم در مدینه نازل شده است. راجع به خمس هم بیش از یک آیه نداریم و اینست که: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» [۱۵] که این هم در مدینه نازل شده است؛ اما قانون مواسات بیش از هزار مرتبه در قرآن نازل شده است. هم در مکه آیه بعد از آیه و زمان بعد زمان و مکان بعد مکان و هم در مدینه. اگر بخواهیم آیات این قانون مواسات را بشماریم، بیش از هزار آیه می‌شود. این جمله «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» بیش از هزار مرتبه در قرآن آمده است. این بچه بازی و سهل انگاری نیست، بلکه قانون مواسات خیلی جدی است. بله فرقی اینست که در باب خمس و زکات اگر خمس و زکات نداد، حق الناس کرده و اگر حاکم اسلامی بتواند خمس و زکات را از او می‌گیرد و اگر کسی خمس ندهد، مال امام زمان در مالش است و نمی‌تواند تصرف در اموالش کند. اگر کسی زکات اصطلاحی فقها در رساله را بدهکار باشد، نمی‌تواند تصرف در اموالش کند تا اینکه زکاتش را بدهد.

فقرا و امام زمان شریک در اموالش هستند و گفتم اگر حکومت اسلامی بتواند، از او می‌گیرد. اما راجع به قانون مواسات گرفتنی و حق الناسی نیست، بلکه یک تکلیف است اما تکلیف خیلی جدی است. در همان اول قرآن می‌فرماید: اگر متقی هستی باید این دو بال را داشته باشی، یکی بال رابطه با خدا و یکی بال رابطه با مردم: «يُؤْتِيُمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» و این کم کم به جاهای بالایی می‌رساند، به اندازه‌ای که اگر این تکلیف را ادا نکند، گناه بزرگ است و برای او جهنم است و آیاتش هم فراوان است و معمولاً کسی به این قانون مواسات عمل نمی‌کند. اگر خیلی مرد باشد خمس و زکاتش را می‌دهد، اما اینطور نیست که به هر اندازه به فکر زن و بچه‌اش است، به فکر دیگران هم باشد. اگر به راستی این قانون مواسات پیاده شود، اول چیزی که نتیجه می‌دهد، رفع فقر است و آنگاه فقر در جامعه ما نیست. اگر می‌بینیم فقر در جامعه هست، برای اینست که به این قانون مواسات عمل نمی‌شود.

وقتی حضرت ولی عصر «ارواح‌افاده» بیایند، با خرق عادت و معجزه به یک شبانه‌روز بر دنیا مسلط می‌شوند و شش شبانه‌روز در دنیا مستقر می‌شوند و اینها معجزه و خرق عادت است و به قول قرآن، خدا می‌خواهد چنین شود و می‌شود، خدا می‌خواهد به دست ولیش پرچم اسلام روی کره زمین افراشته شود و عدالت اسلامی سرتاسر جهان را بگیرد و می‌گیرد. اما بعد حساب خرق عادت نیست و حساب معجزه نیست، بلکه حساب پیاده شدن قرآن و احکام اسلام است و اگر قرآن در میان مردم پیاده شود، همه مردم از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه می‌شوند.

به عنوان مثال امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» پنج سال حکومت کردند با آن همه دردسرها و با سه جنگ مصیبت‌بار. جنگ‌هایی که برای امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» جلو آمد، غیر از جنگ‌هایی بود که برای پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» جلو می‌آمد. جنگ‌هایی که برای پیغمبر جلو می‌آمد، با کفار و مشرکین بود، اما جنگ‌های امیرالمؤمنین با مسلمان‌ها بود. یعنی در جنگ جمل و صفین و نهروان، مسلمان‌ها جلو آمدند و می‌خواستند حکومت امیرالمؤمنین را از بین ببرند و امیرالمؤمنین را نابود کنند و می‌خواستند مسلمان‌ها را نابود کنند که شصت هزار نفر را در جنگ صفین کشتند. سه جنگ برای امیرالمؤمنین جلو آمد که بالاترین جنگ‌ها هم جنگ نهروان بود و امیرالمؤمنین می‌فرمایند: اگر من نبودم، هیچ کس نمی‌توانست چشم این فتنه را کور کند و من توانستم در جنگ نهروان پیروز شوم. بالاخره امیرالمؤمنین اینچنین پنج سال حکومت کردند. مرحوم مجلسی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» روایت را نقل می‌کنند که روایت خیلی شیرینی است که در نماز جمعه بعضی اوقات امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» می‌فرمود: ای مردم! من خلیفه شما شدم و من کسی هستم که همه شما را از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه کردم و یک نفر نیست که زن نداشته باشد و یک نفر نیست که خانه نداشته باشد و یک نفر نیست که از نظر خوراک و پوشاک در مضیقه باشد و بعد می‌فرمایند: ای مردم من کسی هستم که برای شما آب آوردم. معلوم می‌شود از دجله آب لوله کشی به کوفه آورده‌اند. [۱۶] اگر به راستی قانون مواسات پیاده شود، اول نتیجه‌اش اینست که همه مردم در رفاه می‌شوند.

اسلام که مدعی است که من می‌توانم جهان را اداره کنم، باید چنین باشد. یعنی باید قوانینی در قرآن باشد که آن قوانین بتواند جهان را اداره کند و اول چیزی که باید در جهان اداره شود، اینست که باید فقر نباشد. اول عدالت باشد و بعد از آن نه اینکه فقر نباشد، بلکه رفاه باشد و اگر ما به راستی به این قانون مواسات عمل کنیم، رفع فقر اجتماعی می‌شود و جداً پیدا نمی‌کنیم دختری را که در خانه بماند و پیدا نمی‌کنیم پسری را که بی زن بماند و پیدا نمی‌کنیم کسی را که بی خانه باشد و معنا ندارد پیدا کنیم کسی را که از نظر خوراک و پوشاک در مضیقه باشد. این معنای قانون مواسات قرآن است و این از شاهکارهای آیات قرآن است. گفتم قرآن بیش از هزار جا روی این پافشاری دارد. پس باید چنین باشیم اما معمولاً نیستیم. باید به هر اندازه می‌توانیم گره از کار دیگران بکشاییم. اگر کسی بتواند گره از کار کسی بگشاید و اما نگشاید، یک گناه کبیره بسیار بالا انجام داده است و گناهش خیلی بزرگ است. گناه به اندازه‌ای بزرگ است که آقا امام صادق «سلام‌الله‌علیه» در منی منبر رفته بودند و در وسط منبر فرمودند: ای شیعیان ما اینقدر دل ما را خون نکنید. یک فضولی در وسط منبر گفت: یابن رسول الله! ما مرید شما هستیم و شما را امام می‌دانیم، کجا دل شما را خون کرده‌ایم؟ امام صادق فرمودند: تو، دو سه روز قبل به منی می‌آمدی و پیاده‌ای، خسته کنار جاده ایستاده بود و به تو گفت: مرا سوار کن و تو می‌توانستی او را سوار کنی، اما سوار نکردی و با بی‌اعتنایی گذشتی و دل ما را

خون کردی.

دل امام زمان را کسی خون می‌کند که به قانون مواسات عمل نکند، کسی که تجمل‌گرا باشد، اما مردم در مضیقه مالی و در مضیقه ازدواج و خانه باشند. دو دو تا چهار تا است که اگر مردم به قانون مواسات عمل کنند، فقر از جامعه برداشته می‌شود و همه از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه می‌شوند.

مثال ساده‌ای بزنم و خیال نمی‌کنم کسی بتواند روی این مثال شبهه کند. اگر تجمل‌گرایی که الان داریم، برداشته شود و به جای آن رفاه‌گرایی شود، آنگاه تمام این مشکلات رفع می‌شود و جامعه ما از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه می‌شوند. این تجمل‌گرایی‌هایی که الان بین همه هست و حتی بین ما روحانیون هم هست. تجمل‌گرایی‌ها عجیب شده است، مخصوصاً در عروسی‌ها و در ولیمه‌ها و در آن مکه رفتن‌ها و ولیمه و سوغاتی‌ها، اگر برداشته شود و ساده‌زیستی شود، آنگاه رفع فقر از جامعه می‌شود و هیچ‌کس بی‌زن و بی‌شوهر نمی‌ماند و هیچ‌کس مشکل جهیزیه و مهریه ندارد و هیچ‌کس مشکل بی‌خانگی ندارد و همه مردم از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه می‌شوند. این روایت و آیه و علم الاقتصاد هم نمی‌خواهد.

من سال‌ها پیش کتابی به نام «مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی» نوشتم و اقتصاد اسلام را با اقتصاد سرمایه‌داری و کمونیستی مقایسه کردم و در جلد اول آن قانون مواسات را آوردم و در آنجا اثبات کردم که جامعه باید فقر نداشته باشد. به قول امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» فقر، فلاکت است. فقر سخت است و فقر انسان را به کفر نزدیک می‌کند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» [۱۷] و فقر مشکل است و باید این فقر نباشد. لذا تلاش و کوشش انسان واجب است. بعد هم مردم و بعد اگر مردم نکردند، حکومت بتواند این کار را بکند و این معنا ندارد که فقر موجود باشد. اگر اسلام پیاده شود و باز فقر باشد، این اسلام، اسلام نیست و ما مدعی هستیم که اسلام جهانی است و اسلام آمده برای اینکه سختی‌ها را رفع کند و اسلام آمده و اول چیزی که آورده اتحاد و برادری و بعد از آن رفع فقر عمومی است. می‌دانید این تجمل‌گرایی‌ها چقدر گناه دارد؟ قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْتُمُونَ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِثِّ الْعَظِيمِ» [۱۸]

به اندازه‌ای مشکل است که معنا کردن آن برای شما و برای من هم مشکل است. اینکه دست چپی‌ها در روز قیامت چقدر شوم و بدبخت هستند و اینها قبل از اینکه آنها را به جهنم ببرند، زیر دود و هرم جهنم می‌سوزند. به آنها خطاب می‌شود برای اینکه مترف و تجمل‌گرا بودید. آن تجمل‌گرایی شما سبب شد که گناه کنید و دزدی‌ها و حیف و میل‌ها در اثر همین تجمل‌گرایی است و در همین تجمل‌گرایی هفت هشت ده تا صفت رذیله خوابیده است. قرآن می‌فرماید: چون تجمل‌گرا بودید، گناهان بزرگی هم از شما سر زده است.

کدامیک از ما تجمل‌گرا نیستیم؟! این طرز ازدواج‌ها و طرز خانه‌های ما و طرز رفت و آمدهای ما و طرز عید نوروز ما با آن همه گناه و جنایت‌ها و با آن همه بی‌بند و باری‌ها، تجمل‌گرایی است. و ما باید ساده‌زیست شویم. این اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری انصافاً چیز خوبی است. البته پیاده شدن آن کار مشکلی است و اما نمی‌توانم و نمی‌شود در قاموس انسان راه ندارد و حتماً باید این اقتصاد مقاومتی پیاده شود و الا اقتصاد ما همیشه مریض است. اقتصاد نفتی باشد، معلوم است که آمریکا و صهیونیست‌ها بر ما مسلط می‌شوند. اگر اقتصاد مقاومتی نباشد، معلوم است که همیشه دولت بدبخت و محتاج است. این اقتصاد مقاومتی خیلی مفید است. مرادم اینست که یکی از ارکان این اقتصاد مقاومتی، ساده‌زیستی است. اینکه با ساده‌زیستی محتاج به دیگران نباشیم.

این ساده‌زیستی غنای عجیبی است: «عَزَّ مَنْ قَتَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ» [۱۹] اگر می‌خواهی عزیز باشی، ساده‌زیست باش. آنگاه انسان می‌تواند به خیلی از جاها برسد. الان مرادم اینست که این تجمل‌گرایی برداشته شود، فقر هم برداشته می‌شود. البته تلاش و کوشش و توجه می‌خواهد و البته تلاش اجتماعی می‌خواهد و با یک فرد و ده فرد و بیست فرد نمی‌شود، بلکه کار عمومی است. همینطور که قرآن می‌فرماید: «وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُتَفَقَّهُونَ» و همینطور که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» و «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» باید مخصوصاً به آبرودارها و محروم‌ها برسیم، به هر اندازه که می‌توانیم. اگر می‌توانیم خودمان و اگر نمی‌توانیم با قلم و قدمان کمک کنیم.

این بحث ناقص است و اجازه دهید هفته آینده ان‌شاءالله درباره آن صحبت کنم.

پی نوشتها:

[۱]. ابراهیم، ۱۹: «آیا در نیافته‌ای که خدا آسمان‌ها و زمین را آفریده؟»

[۲]. طه، ۴۱: «و تو را برای خود پروردم.»

[۳]. البقرة، ۳۰: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت.»

[۴]. النور، ۲۱: «و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاك نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاك می‌گرداند.»

[۵]. المعارج ۲۲-۱۹: «به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل ورزد، غیر از نمازگزاران.»

[۶]. المعارج، ۲۳: «همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند.»

- [۷]. المعارج، ۳۴: «و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند.»
- [۸]. البقرة، ۱۵۳: «از شکیبایی و نماز یاری جویید.»
- [۹]. العنکبوت، ۴۵: «که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»
- [۱۰]. المعارج، ۲۴: «و همانان که در اموالشان حقی معلوم است.»
- [۱۱]. الذاریات، ۱۹: «و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود.»
- [۱۲]. الطلاق، ۷: «بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند.»
- [۱۳]. البقرة، ۲-۳: «این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است، آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»
- [۱۴]. التوبة، ۱۰۳: «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر.»
- [۱۵]. الأنفال، ۴۱: «و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، يك پنجم آن برای خدا.»
- [۱۶]. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷: «مَا أَصْبَحَ بِالْكَوْفَةِ أَحَدًا إِلَّا تَاعِمًا إِنْ أَذْنَاهُمْ مَنَزَلَةٌ لِيَأْكُلُ الْبُرَّ وَ يَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفَرَاتِ»
- [۱۷]. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.
- [۱۸]. الواقعة، ۴۱-۴۶: «و یاران چپ کدامند یاران چپ؟ در [میان] باد گرم و آب داغ، و سایه‌ای از دود تار، نه خنک و نه خوش، اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند، و بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند.»
- [۱۹]. النهایه فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۱۱۴.